

ارزیابی کیفی کارآمدی مشاوره‌های پیش از طلاق موضوع فصل دوم قانون حمایت خانواده بر اساس نگرش مراجعان به مراکز مشاوره استان البرز

مهری الله‌وردی^۱، محسن بدره^{۲*}، فاطمه پورمسجدیان^۳

۱- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مطالعات زنان از دانشگاه الزهرا ع.ج.ت.

mehrialahverdi54@gmail.com

۲- استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه مطالعات خانواده و زنان دانشگاه الزهرا ع.ج.ت. (نویسنده مسئول)

m.badreh@alzahra.ac.ir

۳- استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا ع.ج.ت.

fmasjedian@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۱/۲۷]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۹/۲۸]

چکیده

قانون‌گذار با وضع نهاد مشاوره پیش از طلاق، موضوع فصل دوم قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱ پیشگیری از طلاق‌های غیرضروری را هدف‌گذاری نموده است. نویسندگان تلاش نموده‌اند بر اساس نگرش زوج‌هایی که مراحل مشاوره پیش از طلاق را کاملاً از سر گذرانده‌اند، یک ارزیابی کیفی از کارآمدی این مشاوره صورت دهند. راهبرد روشی پژوهش، پدیدارشناسی است برای تحلیل مصاحبه‌ها از شیوه تحلیل مضمون استفاده شده است. مصاحبه‌شوندگان ۱۵ نفر از افراد ساکن استان البرز بودند. این نمونه به روش هدفمند انتخاب شد. تحلیل مصاحبه‌ها به شش مضمون اصلی زیر دست یافت: ارائه راهکارهای مورد نیاز از سوی مشاور؛ ایجاد سازش و تداوم زندگی؛ گرفتن راهنمایی حقوقی و اجتماعی از مشاور؛ تأثیرگذار بودن مشاوره به‌هنگام؛ مؤثر نبودن جلسات مشاوره در ایجاد سازش؛ معایب روند فعلی مشاوره پیش از طلاق. مصاحبه‌شوندگان در توقع از مشاوره تقریباً اجماع دارند که مشاور می‌تواند میان زوجین سازش ایجاد نماید ولی نگرش اغلب آن‌ها به کارآمدی مشاوره‌های فعلی، چندان حاکی از رضایت نیست. این عدم رضایت ابعاد مختلفی دارد از جمله: هزینه‌های سنگین حق مشاوره و عدم پوشش دولتی هزینه‌ها، زمان‌بندی نامناسب جلسات مشاوره سبک شمردن تحکیم بنیان خانواده از سوی برخی مشاوران و بالتبع عدم تلاش در ترمیم رابطه زوجین و سبک انگاشتن تحکیم خانواده، عدم برخورداری مشاوران از تخصص کافی همراه با تجربه و سوگیری‌های جنسیتی برخی از مشاوران. این پژوهش به‌منظور تحقق هدف قانون‌گذار و رفع معایب وضعیت فعلی در جهت ارتقای کارآمدی الزام زوجین به مشاوره پیش از طلاق توافقی، بازنگری فصل دوم قانون حمایت خانواده را لازم می‌داند.

واژگان کلیدی: خانواده، طلاق، مشاوره پیش از طلاق، مشاوره خانواده.

۱- مقدمه

نرخ بالای طلاق^۱ از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است که موجب متلاشی شدن نهاد خانواده می‌شود، و روند افزایشی آنچه در سطح جهانی (Eurostat, 2012; Eurofound, 2012) و چه در کشور ایران قابل توجه است. این موضوع مورد توجه قانون‌گذاران، روانشناسان و جامعه‌شناسان بوده و هر کدام سعی کرده‌اند از منظر خود راهکارهایی در جهت جلوگیری از آن و یا کاهش آسیب‌های آن ارائه دهند. در جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار نیز چندبعدی بودن پدیده طلاق را به‌خوبی ادراک و تلاش نموده جهت کاهش نرخ طلاق، با قرار دادن هر سه این گروه متخصص در کنار هم در مراکز مشاوره خانواده،^۲ اقدام کاربردی و مؤثری را انجام دهد.

در دو دهه اخیر افزایش مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجب تشدید اختلافات و طلاق بین زوجین شده و به نظر می‌رسد قانون طلاق توافقی نیز در این روند مؤثر بوده است. (قورچی بیگی و اقبالی، ۱۳۹۹) از طرف دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از طلاق‌ها به دلیل مشکلات اساسی نبوده و بیشتر ناشی از فقدان مهارت‌های لازم برای زندگی زناشویی و رفع تنش‌های معمول هستند (حاجی محمد یزدی و افراسیابی، ۱۴۰۱). توجه به اینکه بسیاری از زوجین بر اثر بروز اختلافات نه‌چندان جدی اقدام به طلاق می‌کردند و اغلب نیز از حقوق قانونی خود در زمینه طلاق همچون مهریه حق حضانت فرزندان و یا حق نفقه اطلاع چندانی نداشتند، قانون‌گذار ایران با وضع قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱ مساعدت زوجین برای حل اختلافات از طریق ایجاد صلح و سازش به‌منظور پیشگیری از طلاق‌های غیرضروری را هدف‌گذاری نموده است. در فصل دوم این قانون تشکیل نهاد مشاوره خانواده در کنار دادگاه‌های خانواده در حوزه‌های قضایی مقرر شده است. نهاد مشاوره نهادی اجتماعی-حقوقی است که بیشتر درصدد ایجاد سازش و پیشگیری از گسترش اختلافات زناشویی و ارائه راهکار برای جلوگیری از طلاق است. به نظر می‌رسد کارکردها و ابعاد این نهاد برای بسیاری از زوج‌ها نامعلوم است و همچنین چون این نهاد در ابتدای راه است و عمر چندان طولانی ندارد مشکلات عمیقی را در زمینه تخصص مشاوران و نوع ارتباط آن‌ها با زوجین و نحوه مشاوره و زمان‌های مشاوره و ... تجربه می‌کند. از طرف دیگر اجباری بودن این مشاوره‌ها در مرحله‌ای از زندگی زناشویی که بین زوج‌ها جوی پرتنش حکم‌فرماست و زوج‌ها طلاق را تنها چاره‌کار خود می‌دانند، در کنار مشکلات کارکردی این نهاد، این مسئله جدی را پیش روی می‌نهد که مشاوره‌های پیش از طلاق^۳ تا چه میزان در محقق کردن اهداف مورد نظر قانون‌گذار کارآمدی دارند.

واضح است مطالعه دقیق میزان کارآمدی این نهاد، نیاز به تعیین شاخص‌های عملیاتی کمی و انجام یک پیمایش گسترده در سراسر کشور دارد، اما نویسندگان این پژوهش در اینجا تلاش نموده‌اند در یک استان (البرز)، آن هم بر اساس نگرش زوج‌هایی که مراحل مشاوره پیش از طلاق را کاملاً پشت سر گذارده‌اند، یک ارزیابی کیفی از کارآمدی این مراکز صورت دهند. بر همین اساس، پرسش‌های اصلی این پژوهش از این قرار هستند:

برحسب تجربه و نگرش مراجعین به مراکز مشاوره پیش از طلاق، این مشاوره‌ها^۴ تا چه میزان در پیشگیری از طلاق مؤثر است؟
معایب و کاستی‌های این مشاوره‌ها کدام است؟ و چگونه بهبود می‌یابند؟

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

طبق تعریف سازمان ملل خانواده به گروه دو یا چند نفره اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند، درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی داشته و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. خانواده یک «واحد حقوقی و اجتماعی

1 divorce

2 family counseling

3 pre-divorce counseling

4 Consultations

است که لااقل از یک زن و یک مرد با رابطه زوجیت مشروع پدید آمده باشد». (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴) و جامعه‌شناسان خانواده را یک گروه اجتماعی می‌دانند از طریق سببی و یا نسبی با یکدیگر در ارتباط هستند (حیاتی، ۱۳۹۹).

این نهاد اجتماعی بسیار مهم، به جهت پیچیدگی‌هایی که به‌طور طبیعی در ارتباطات انسانی اعضای آن وجود دارد، با مسائلی مواجه می‌شود. راهکار برای فهم مسائل ایجاد شده و حل بحران‌های حادث شده در ارتباطات انسانی اعضای آن، مشاوره است. روزگار کنونی ما، روزگار اضطراب و فشارهای روانی هست از این‌رو خدمات مشاوره‌ای از ملزومات اساسی آن است (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۳).

به نظر آرباکل مشاوره یک فعالیت کارشناسانه است که مراجعه‌کننده با کمک مشاور شروع به جستجو برای حل مسائل خود می‌پردازد. مراجع از طریق مکالمه دوطرفه رودررو در یک جو دوستانه خودش را بهتر می‌شناسد و طریق تصمیم‌گیری درباره مشکلاتش را یاد می‌گیرد و در آخر، راه‌حل را می‌یابد (همان). استفاده از نظریه‌های علمی در مشاوره، به کار مشاور و فرآیند تغییر رفتار و بهبود مشکلات سرعت می‌بخشد از هدر رفتن نیروها جلوگیری می‌کند. (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۷۱).

مشاور یابوری است که خصوصیات ویژه‌ای مانند صلاحیت علمی و مهارت‌های ارتباطی، رازنگهداری، امانت‌دار بودن را دارد. با افراد به شایستگی برخورد می‌کند، در فرد مشورت‌گیرنده قابلیت تأثیرگذاری دارد. مشاوران موفق از خصوصیات مثل خودآگاهی، شفافیت، توانایی پذیرش بی‌قید و شرط مراجع، همدلی، توانایی برقراری رابطه، گستردگی و جامعیت فکر، آستانه تحمل بالا، صداقت، خودباوری، تعهد اخلاقی و شغلی، صلابت و نفوذ کلام برخوردارند (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۳). مشاوره خانواده نوعی از مشاوره است که به برطرف کردن مسائل خانوادگی و آنچه در یک خانواده می‌گذرد، می‌پردازد. کانون مداخله در این نوع مشاوره به جای فرد خانواده می‌باشد و به تعاملات اعضای خانواده توجه دارد و به دنبال تغییر روابط و ساختار درون خانواده است. (گوانبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۷) این مشاوران به دلیل بررسی کل خانواده تحلیل بهتر و روشن‌تری از مسائل افراد خانواده دارند (زهراکار، ۱۳۹۷).

مشاوره قبل از طلاق راه‌کاری است که قانون حمایت خانواده برای جلوگیری از افزایش آمار طلاق اجباری کرده این مشاوره‌ها کمک می‌کند تا بهترین و عاقلانه‌ترین تصمیم را بگیرند. اگر طلاق بر اثر هیجانات و احساسات و یا دخالت دیگران و یا امور قابل حل باشد، به این طریق از طلاق‌های نابجا جلوگیری می‌شود. در نهایت چنانچه اگر زوجین قادر به ادامه زندگی مشترک با یکدیگر نباشند و چاره‌ای جز طلاق نداشته باشند با کمک مشاوران خانواده جدایی آن‌ها با حداقل آسیب‌ها می‌تواند صورت بگیرد.

از آنجاکه موضوع این پژوهش در یک حیطه میان‌رشته‌ای است و عملاً درباره وضعیت مشاوره خانواده در یک فرایند حقوقی و قانونی یعنی طلاق، جستجو می‌کند، مناسب است در اینجا به مفهوم روانشناسی قانونی اشاره شود. روانشناسی قانونی یکی از شاخه‌های کاربردی روانشناسی بالینی است و معمولاً با مباحثی که روانشناسی و قانون را به هم وصل می‌کند، ارتباط دارد این زمینه علمی در سال ۲۰۰۱ توسط انجمن روانشناسی آمریکا به رسمیت شناخته شد. این انجمن بر استفاده از روانشناسی بالینی در محیط قانونی تأکید دارد. (دادفر، ۱۳۹۷) این زمینه علمی عبارت است «از کاربرد روش‌ها، نظریه‌ها و مفاهیم روانشناسی در دستگاه قضایی» (رایتزمان^۱، به نقل از فیرس و ترال، ۱۳۹۰) و «بیشترین کاربرد این رشته در دادگاه‌ها در مسائل خانوادگی است».

طبق ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده، ارجاع طلاق‌های توافقی به مراکز مشاوره خانواده از سوی دادگاه اجباری می‌باشد و این در شمار قوانین آمره است و دادگاه نمی‌تواند بر خلاف آن عمل کند. البته در موارد طلاق توافقی طرفین می‌توانند تقاضای طلاق را از ابتدا در مراکز مذکور نیز انجام دهند. دادگاه خانواده بدون اخذ نظریه کتبی مشاوران خانواده، نمی‌تواند گواهی عدم امکان سازش را صادر کند. اجباری بودن مشاوره قبل از طلاق مختص کشور ایران نیست در کشور استرالیا نیز زوج‌هایی که کمتر از دو سال از ازدواج آن‌ها نمی‌گذرد باید قبل از طلاق مشاوره بروند (محسنی، ۱۳۹۶).

از آنجاکه نهاد مشاوره پیش از طلاق موضوع فصل دوم قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ خورشیدی نسبتاً جدید است، ادبیات علمی جدی و متمرکزی در پیشینه آن یافت نمی‌شود و تنها برخی از آثار به صورت مختصر و به شکل پراکنده به آن پرداخته‌اند.

بیگدلی، فرحبخش، سلیمی بجستانی، معتمدی شلمزاری و الهی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان فراهم آوری و ارزیابی اثربخشی دستنامه توانگر سازی مشاورین طلاق بر پایه آسیب‌شناسی مشاوره‌های طلاق در سازش درخواست‌کنندگان طلاق انجام دادند و نشان دادند که ضعف اطلاعات حرفه‌ای و علمی مشاوران بر فرآیند مشاوره‌های پیش از طلاق تأثیرگذار گذار است.

اکبری، شریعتمداری، فرحبخش و نظری (۱۴۰۱) پژوهشی کیفی به روش داده‌بنیاد با عنوان طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق مراکز مداخله در بحران انجام داده‌اند. در نهایت با توجه به مضامین اصلی و فرعی مصاحبه‌ها یک مدل آموزشی برای صلاحیت حرفه‌ای مشاوران طلاق پیشنهاد می‌کنند.

محمدتقی‌زاده (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان تجربه مشاوره اجباری بین متقاضیان طلاق توافقی در شهر تهران با هدف بررسی تأثیر مشاوره در بین زوج‌هایی که خواهان طلاق توافقی بودند انجام داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که مشاوره‌ها به علت این که زمان مداخله مشاوره برای از بین بردن تعارضات زناشویی در وقت مناسبی نیست، در بیشتر موارد در حل مسائل زوج‌ها و سازش بین آن‌ها موفقیتی نداشته‌اند، ولی این مشاوره‌ها موجب آماده شدن زوج‌ها برای جدایی و کنار آمدن آن‌ها با مخاطرات و پیامدهای طلاق و شناختن دام‌های بعد از جدایی شده است.

وطن‌دوست و حسین‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان اثربخشی مشاوره در سازش یا عدم سازش زوجین مراجعه‌کننده به مراکز طلاق در استان مازندران ۱۳۹۷ نشان داده‌اند مداخلات مشاوره‌ای در بخش سازش چندان چشمگیر نبوده است.

پژوهش خاکی (۱۳۹۶) با عنوان تدوین مدل آموزش زوج‌درمانی بوم‌شناختی چندبعدی به مشاوران و تعیین اثربخشی آن بر کاهش میل به طلاق زوج‌های ارجاعی به دادگستری در استان مرکزی، به این نتیجه می‌رسد که می‌توان با استفاده از زوج‌درمانی میل به طلاق را در بین زوج‌های متقاضی کاهش داد.

محمدحسن آسایش (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان تدوین الگوی چندبعدی مشاوره پس از آسیب و اثربخشی آن بر انصراف از طلاق، رضایت زناشویی و سلامت روان زوج‌های با سابقه بی‌وفایی همسر به این نتیجه می‌رسد که برای رسیدن به سلامت روان و رضایت زناشویی و کاهش آمار طلاق در زوج‌های قربانی بی‌وفایی، باید از طریق آسیب‌شناسی در بافت فرهنگی به تدوین بسته‌های مشاوره جهت مداخله مناسب به وسیله مشاور متخصص با تأکید بر فرهنگ بومی همت گمارد.

هدف: هدف و نوآوری مقاله حاضر آن است که در یک پژوهش روزآمد، در استان البرز با استفاده از تحقیقی اجتماعی که البته تاکنون از این منظر مطالعه نشده، درصد ارزیابی میزان کارآمدی این نهاد قانونی و رسیدن به پیشنهادهایی برای اصلاح تقنینی در زمینه آن است.

۳- روش‌شناسی

چون در اینجا به تجارب افراد از گذراندن مشاوره‌های پیش از طلاق پرداخته می‌شود، بنابراین یک رویکرد روشی مناسب برای این تحقیق کیفی، پدیدارشناسی است زیرا پدیدارشناسان تجربه‌های مشترکی که مشارکت‌کنندگان از یک پدیده را دارند مورد توجه قرار می‌دهند. برای دسترسی به نگرش افراد مورد نظر، از مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش مصاحبه به شکل نیمه ساختاریافته و عمیق صورت گرفته تا پاسخ‌دهندگان بتوانند آنچه را که تجربه کرده‌اند با جزئیات بازگو کرده و در مصاحبه احساس تحمیل نداشته باشند و محققین هم بتوانند به داده‌های تازه‌ای فراتر از چارچوب اولیه راهنمای مصاحبه، دست یابند. این نوع مصاحبه که امری رایج در بسیاری از زمینه‌های پژوهش اجتماعی است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۹۵). هرچند راهبرد کلی

روش این پژوهش، پدیدارشناسی است، برای تحلیل مصاحبه‌ها از شیوه تحلیل مضمون استفاده شده است. بنا به تعریف کینگ و هاروکز^۱ (۲۰۱۰)، مضمون یک ویژگی متمایز و مکرر در متن است که در نگاه پژوهشگر، درک و تجربه خاصی را در رابطه با پرسش‌های پژوهش نشان می‌دهد. تحلیل مضمون یک روش منعطف و کارآمد در رسیدن به این معانی در گستره داده‌های متنی است. تحلیل مضمون به شیوه‌های مختلف از جمله تحلیل ماتریس مضامین، تحلیل مقایسه‌ای، شبکه مضامین و قالب مضامین صورت می‌گیرد. این پژوهش از شیوه اخیر، یعنی قالب^۲ مضامین استفاده می‌نماید. در این روش فهرستی از مضمون‌های استخراج شده از متن داده‌ها به صورت سلسله مراتبی و درختی ترسیم می‌شود. مضامین گروه‌بندی و ساماندهی شده و در قالب خوشه‌ها و سطوح چندگانه برای ایجاد مضامین سطوح بالاتر مرتب می‌شوند. این قالب به‌طور پیوسته بازبینی و اصلاح می‌شود تا جایی که متن به‌طور کامل توسط پژوهشگر ادراک شده و تحلیل آن نگاشته شود (King, 2004). ابتدا صوت مصاحبه‌ها همگی ضبط و در یک فایل ورد پیاده‌سازی شد بعد چندین بار متن توسط محقق مطالعه و کدگذاری‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها انجام شد. محققان از ترکیب مقوله‌های سطح اول و مقوله‌های سطح دوم به مقولات سازمان‌دهی رسیدند و سرانجام به این مقوله‌ها یک برچسب یا عنوان داده شد. پس از برچسب زدن مقولات و دادن عنوان‌های علمی به مقولات مهم و دست‌یابی به خوشه‌های معنایی مقولات استخراج شده برای توصیف مضامین نگرش‌های افراد، از جمله تجربه‌های آن‌ها از مشاوره پیش از طلاق، نگارش شد.

مصاحبه‌شوندگان ۱۵ نفر از افراد ساکن استان البرز بودند که مشاوره‌های پیش از طلاق را گذرانده بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و غیرتصادفی بدون در نظر گرفتن نوع طلاق و جنسیت زوج انجام شد. همه مصاحبه‌شوندگان گواهی مرکز مشاوره را در دست داشتند که نشانگر پایان گرفتن مرحله مشاوره و نظر نهایی کارشناس مرکز مشاوره در مورد مسائل و مشکلات زناشویی آنان بود.

۴- یافته‌ها

جدول ۱- مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

شماره مصاحبه‌شونده	جنسیت	تحصیلات	مدت زندگی مشترک	زمان	تعداد فرزند	نوع طلاق	تعداد جلسات مشاوره
۱	مرد	لیسانس	۳ سال		ندارد	یک‌جانبه از طرف زوج	۴ جلسه
۲	زن	-	۹ سال		ندارد	یک‌جانبه از طرف زوجه	۳ جلسه
۳	زن	دیپلم	۱۰ سال		۱ دختر	یک‌جانبه از طرف زوجه	۳ جلسه
۴	مرد	دیپلم	۱۴ سال		ندارد	توافقی	۷ جلسه
۵	زن	-	۱۳ سال		۱ دختر	توافقی	۶ جلسه
۶	زن	لیسانس	۸ سال		ندارد	یک‌جانبه از طرف زوجه	۵ جلسه
۷	زن	دیپلم ردی	۷ سال		۱ دختر	توافقی	۷ جلسه
۸	مرد	فوق‌دیپلم	۱۳ سال		۲ دختر	توافقی	۶ جلسه

1 Kin & Horrocks
2. template

۹	زن	-	۴ سال	ندارد	یک‌جانبه از طرف زوجه	۳ جلسه
۱۰	زن	دیپلم	۱۰ سال	۲ فرزند	توافقی	۴ جلسه
۱۱	زن	-	۳ سال	ندارد	توافقی	۳ جلسه
۱۲	مرد	-	۶ ماه	ندارد	توافقی	۳ جلسه
۱۳	زن	دیپلم	۱۳ سال	۲ دختر	توافقی	۶ جلسه
۱۴	زن	دیپلم	۲۸ سال	۲ پسر	یک‌جانبه از طرف زوج	۳ جلسه
۱۵	زن	دیپلم	۱۰ سال	-	توافقی	۴ جلسه

جدول ۲- قالب (تمپلیت) مضامین

مقوله‌ها (مضامین اصلی)	کدهای محوری	کدهای باز
ارائه راهکارهای موردنیاز از سوی مشاور	ارائه راهکارهای عملی برای تداوم یا خاتمه رابطه زناشویی، راهنمایی اخلاقی و عاطفی	ارائه راهکار سازشی از طرف مشاور/ تشخیص مشاور به ادامه زندگی/ ریشه‌یابی مشکلات و حل آن‌ها/ تشخیص دادن جدا شدن/ پیشنهاد جهت حفظ زندگی مشترک/ پیشنهاد سازش و قبول کردن حرف همدیگر/ پیشنهاد کوتاه آمدن در زندگی/ پیشنهاد از خودگذشتگی/ تلاش مشاور جهت فرصت به همسر/ پیشنهاد مشاور به حضور همسر در مشاوره
ایجاد سازش و تداوم زندگی	تلاش مشاورین جهت ایجاد سازش/ مثبت بودن حرف‌های مشاور/ پیشنهاد رفتار خوب داشتن با همسر جهت سازش	پیشنهاد مشاور به ادامه زندگی/ پیشنهاد مشاور جهت فرصت دوباره به همسر/ پیشنهاد به صحبت کردن با هم جهت رفع شکایات/ بیان کردن نقاط ضعف زوجین
گرفتن راهنمایی حقوقی و اجتماعی از مشاور	راهنمایی برای حضانت فرزندان/ صحبت در مورد عواقب و مشکلات طلاق در جامعه/ تبیین حقوق قانونی	پیشنهاد مشاور برای ماندن فرزند پیش مادر/ راهنمایی کردن در مورد حضانت/ صحبت برای توافق با همسر در مورد نگهداری فرزند/ صحبت در مورد عواقب طلاق در جامعه/ صحبت در مورد معایب طلاق و جدایی/ راهنمایی کردن در مورد مشکلات بعد طلاق/ راهنمایی در مورد نحوه رفتار در اجتماع/ راهنمایی در مورد رفتار در محیط کار
تأثیرگذار بودن مشاوره به‌هنگام	مؤثر و مثبت بودن مشاوره در اوایل زندگی/ مفید بودن مشاوره قبل از طلاق/ مؤثر بودن نقش مشاور در طلاق زوجین/ لزوم تغییر در زمان‌بندی مشاوره‌ها	مؤثر بودن مشاوره قبل از ازدواج یا در اوایل زندگی/ مؤثر بودن وجود مشاوره در اوایل زندگی/ اهمیت داشتن مشاوره قبل از عقد/

مؤثر نبودن جلسات مشاوره در ایجاد سازش	اهمیت ندادن مشاور به ایجاد سازش / عدم راهنمایی و ارائه راهکار / تأثیر نداشتن جلسات مشاوره راهکار / راهنمایی کردن مشاور برای جدایی و طلاق	مهم نبودن سازش برای مشاور / ارائه نشدن راهکار برای سازش زوجین / تلاش نکردن مشاور برای ایجاد صلح و سازش با وجود مشکل روانی همسر / شنیدن خیانت‌های همسر / امیدبخش نبودن راهنمایی‌های مشاور / نبودن سؤالات و خواسته‌ها مطابق انتظار مشاوره شونده ناراحت کننده بودن حرف‌های مشاور / مؤثر نبودن جلسات مشاوره در سازش / مؤثر نبودن مشاوره قبل از طلاق
معایب روند فعلی مشاوره پیش از طلاق	هزینه‌ها/جنسیت مشاور/لزوم تخصص و تجربه باهم/	مثبت بودن نزدیکی فاصله جلسات / عدم تأثیر فاصله زمانی زیاد در سازش زوجین / مؤثر بودن فاصله زمانی زیاد در سازش / مشکل بودن پرداختن هزینه‌های مشاوره / پرهزینه بودن جلسات مشاوره / مهم نبودن هزینه‌های مشاوره / تأثیر مثبت مشاور خانم بر زوجه
		اهمیت داشتن جنسیت مشاوران / بی‌اهمیت بودن جنسیت مشاور / لزوم متخصص و متعهد بودن مشاور / لزوم داشتن تجربه و تخصص باهم

۴-۱-۱- ارائه راهکار

یکی از مضامین پربسامد، نگرش مصاحبه‌شوندگان به سودمندی مشاوره، گرفتن راهکار از مشاوران است.

۴-۱-۱-۱- ارائه راهکار عملی

اغلب پاسخگویان معتقدند مشاور می‌تواند راه‌کارهای عملیاتی به زوجین برای تداوم زندگی یا حتی خاتمه آن ارائه دهد.

م.ش ۵ می‌گوید: «راهکار عملی به من نشان داد».

۴-۱-۲- راهنمایی عاطفی

بسیاری از زوجین در هنگام طلاق نیازمند مشاوره‌های خوب و علمی هستند بر همین اساس اگر مشاور بتواند راه‌کارهای اخلاقی و مبتنی بر فرهنگ و بوم زوجین ارائه دهد بسیار مؤثر خواهد بود به‌ویژه اگر مشاور بتواند ابعاد اخلاقی قضیه طلاق و پیامدهای آن را تشریح نماید.

م.ش ۹ می‌گوید: «مشاورین راهکارهای اخلاقی زیادی نشان می‌دادند».

از دیگر سو برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند مشاور باید بتواند در روابط بین زوجین راه‌کارهایی احساسی و عاطفی نیز نشان دهد و بتواند این راه‌کارها را خوب تبیین نماید. به نظر می‌رسد ارائه این راه‌کارها می‌تواند نقش عاملیتی زوجین در تصمیم‌گیری‌های بهتر نشان دهد از همین روی تحریک احساسات زوجین برای سازش و نیز ارائه راه‌کار ملموس بهترین نقش مشاور در سازش است.

م.ش ۸ می‌گوید: «آن‌ها راهکار احساسی نشان دادند مثلاً مشاور از من خواست تا بلند شوم و همسرم را در آغوش بگیرم».

۲-۴- ایجاد سازش و تداوم زندگی**۱-۲-۴- تلاش مشاور جهت ایجاد سازش**

پاسخگویان معتقد بودند مشاور باید بتواند نوعی نقش راهنمایی و کمک‌کردن داشته باشد یعنی بتواند بین زوجین نوعی تفاهم و سازش برقرار نماید و به تلاش‌های مشاوران در این راستا اشاره می‌کردند.

م.ش ۱۲ می‌گوید: «مشاور گفت به نظرم بهتر است ادامه بدهید زیرا ادامه دادن این زندگی بهتر از جدایی است بعد از جدایی مشکلات زیادی برایتان و به‌ویژه برای خانم به وجود می‌آید».

۲-۲-۴- مثبت بودن حرف‌های مشاور

برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که حرف‌های مشاور برای سازش برای آن‌ها مثبت و دلگرم‌کننده بوده است.

م.ش ۳ می‌گوید: «بعضی از حرف‌هایش خیلی دلگرم‌کننده بود خوب بود منو آرام می‌کرد».

۳-۲-۴- پیشنهاد رفتار خوب داشتن با همسر

برخی از پیشنهاد‌های مشاوران برای ایجاد تغییرات رفتاری و رفتار خوب با همسر توسط مصاحبه‌شوندگان مثبت ارزیابی شده است.

۳-۴- راهنمایی حقوقی و اجتماعی**۱-۳-۴- راهنمایی در مورد حضانت فرزندان**

مشاورین باید بتواند به زوجین دارای فرزند راهنمایی لازم در زمینه نحوه سرپرستی فرزندان را ارائه دهند. طبق اظهار مصاحبه‌شوندگان اغلب مشاوران مانند فرزند در کنار مادر برای نگه‌داشتن روابط عاطفی با مادر را پیشنهاد کرده بودند.

م.ش ۱۰ می‌گوید: «مشاور به ما پیشنهاد داد که بچه‌ها پیش من بمانند زیرا بچه‌ها به محبت مادر بیشتر از پدر نیاز دارند».

۲-۴-۳- صحبت در مورد عواقب طلاق در جامعه

از نگاه مصاحبه‌شوندگان، مشاور باید بتواند دید عمیقی نسبت به موضوع طلاق داشته و عواقب اجتماعی عواقب طلاق برای فرد و نیز فرزندان را به‌طور دقیق تشریح کند تا از طلاق عجولانه و غیرضروری جلوگیری نماید.

م.ش ۱۱ می‌گوید: «اینکه در محیط کار چطور رفتار کنم راهنمایی کردند تا مردانی که در محیط کار هستند نتوانند از من سوءاستفاده کنند یا دید بدی به من داشته باشند».

تبیین حقوق قانونی مشاور باید با لحاظ شرایط روحی و ... میزان تحصیلات زوجین تا حد امکان قواعد حقوقی حاکم بر اختلاف آنان را با زبان ساده و بیان شیوا به‌گونه‌ای به آنان منتقل نماید که هر دو چشم‌انداز روشنی از وضعیت فعلی و آینده خود را ترسیم نموده و امکان مقایسه و تصمیم‌گیری به دور از هیجانات روحی و احساسات بی‌منطق را داشته باشند. م.ش ۷ می‌گوید: «من در این جدایی نه تنها از حقوقی برخوردار برخوردار نشدم، مجبور شدم برای این‌که به جدایی راضی شود ماشینم را هم به او بدهم».

۴-۴- تأثیرگذار بودن مشاوره به‌هنگام

یکی از مضامین مهم مصاحبه‌ها، نگرش به اثرگذاری مشاوره به‌هنگام و پیش از زمانی است که مسائل بسیار وخیم و غیرقابل حل شده‌اند.

۴-۴-۱- مؤثر و مثبت بودن وجود مشاوره در اوایل زندگی

اغلب مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که ارائه مشاوره در اوایل زندگی کارایی و اثربخشی بیشتری دارد.

م.ش ۱۳ می‌گوید: «بله خیلی خوب بود اگر افراد یک مشاور در ابتدای زندگی مشترک به‌عنوان حامی داشتند و اگر مشاوره‌ها در اوایل زندگی در اختیار زندگی ما بود به احتمال خیلی زیاد می‌توانستند به زندگی ما کمک بکنند».

م.ش ۱۵ می‌گوید: «چون خیلی وقت است که تصمیم گرفتیم از هم جدا بشویم زیاد حرف‌های مشاور روی ما تأثیری نداشت این جلسات را می‌آمدیم که بتوانیم طلاق بگیریم و یک جورایی گوش ما بدهکار حرف‌های مشاور نبود و می‌خواستیم که کارهای اداری سیر بشود».

۴-۴-۲- زمان‌بندی مشاوره‌ها

مصاحبه‌شوندگان زمان‌بندی مناسب را از جمله مهم‌ترین اصلاحات لازم در روند مشاوره‌ها عنوان می‌کنند.

۴-۴-۳- قبل از ازدواج یا قبل از دادگاه

یکی از تقاضاها و اصلاحات موردنظر مصاحبه‌شوندگان لزوم ایجاد جلسات روانشناسی رایگان قبل از ازدواج بود... از نظر برخی مصاحبه‌شوندگان، در مورد اختلافات ایجادشده در طول زندگی که افراد را مجبور به مراجعه به دادگاه می‌کند بهتر است مشاوره‌ها که قبل از جلسات دادگاه باشد.

م.ش ۶ می‌گوید: «مراکز مشاوره به‌رحال بهتره قبل از اینکه جلسات دادگاه شروع بشود افراد را بفرستند بعداً در وقت اضافه به زور افراد را فرستادن پیش مشاور به نظرم فقط عذاب دادن است».

۴-۴-۵- مؤثر نبودن جلسات مشاوره

به نظر می‌رسد اغلب افرادی که به دادگاه برای طلاق مراجعه می‌کنند یا تصمیم قطعی خود را گرفته‌اند یا اساساً وضعیت آن‌قدر غیرقابل تحمل شده است که حاضر به سازش و بازگشت به زندگی مشترک نیستند.

۴-۴-۵-۱- اهمیت ندادن مشاور به ایجاد سازش

ادراک برخی مصاحبه‌شوندگان از فرایند مشاوره، حاکی از بی‌اهمیتی ایجاد سازش میان زوجین برای مشاور و به نحوی، صوری سپری شدن جلسات مشاوره پیش از طلاق است.

م.ش ۲ می‌گوید: «اونا فقط هدفشون این که سه ماه به کاری بکنند به اجبار به ما وقت بدهند تا شاید دری به تخته بخورد».

۴-۵-۲- عدم راهنمایی و ارائه راهکار

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند مشاور اغلب با نوعی یک‌جانبه‌گری عمل می‌کرده راهنمایی لازم برای برون‌رفت از وضعیت موجود را ارائه نمی‌داده است.

م.ش ۵ می‌گوید: «هیچی یاد ندادن ... چیزی تو جلسات نبود ... ولی به همسرم گفتن که پیش روان‌پزشک برو و دارو باید مصرف کند ولی او هم قبول نکرد. تا حالا ۸ جلسه بدون هیچ فایده‌ای برای من بوده است».

۳-۴-۵ مؤثر بودن نقش مشاور در تقویت تصمیم به جدایی

درست است که گاهی مشاور بن‌بست عمیق و غیرقابل‌علاجی در روابط بین زوجین مشاهده می‌کند که درنهایت وادار می‌شود طلاق را توصیه کند؛ اما در این تحقیق، اغلب پاسخگویان معتقد بودند مشاور ترغیب‌کننده طلاق بوده و تصمیم آنان به جدایی را محکم‌تر کرده است.

م.ش ۱۲ می‌گوید: «همین حرف مشاور که گفت شما اگر قبل از ازدواج پیش من می‌آمدید من به شما گفتم که زندگی مشترک خوبی نمی‌توانید با هم داشته باشید همین حرف مشاور باعث شد قوت قلب گرفتم برای جدایی و فهمیدم که این کار برای من خیلی بهتر است».

۴-۶- معایب روند فعلی مشاوره پیش از طلاق**۴-۶-۱- مثبت بودن نزدیکی فاصله جلسات**

هرچقدر فاصله زمانی جلسات به هم نزدیک‌تر باشد مشاوره مؤثرتر خواهد بود چراکه اثربخشی راهنمایی مشاور بیشتر می‌شود و زوجین نیز بیشتر به سمت گفتگوی بیشتر و سازش حرکت می‌کنند.

۴-۶-۲- تأثیر مثبت/منفی فاصله زمانی زیاد میان جلسات در سازش زوجین

باید دقت کرد که ایجاد سازش کار زمان‌بری است و زمانی که مشاور با این رویکرد به زوجین نزدیک می‌شود باید بتواند فاصله زمانی مناسبی را در نظر بگیرد بر همین اساس طبق تجربه برخی مصاحبه‌شوندگان، هرچقدر فاصله زمانی مشاوره بیشتر باشد احتمال سازش بین زوجین هم کمتر خواهد بود.

م.ش ۱ می‌گوید: «وقتی زمان طولانی‌تر می‌شود زمان خیلی چیزها را تغییر می‌دهد زیرا وقتی فاصله جلسات زیاد می‌شود افراد به نبودن و دوری از همدیگر کم‌کم عادت می‌کنند و می‌بینند که بدون همدیگر هم می‌توانند زندگی کنند».

به‌عکس، برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز معتقد بودند وجود فاصله زمانی زیاد احتمال سازش را زیاد می‌کند چون میزان تفکر و تأمل به صحبت‌های مشاور را بیشتر می‌کند.

م.ش ۱۱ می‌گوید: «بهتر است جلسات اول و دوم فاصله‌دار باشد تا مجالی برای آرام شدن و فکر کردن بیشتر برامون باشه».

به نظر می‌رسد زمان مناسب و مفید میان جلسات مشاوره، باید به تشخیص مشاور و بر اساس وضعیت رابطه زناشویی زوجین و شخصیت آن‌ها، به شکل منعطفی تدبیر شود.

۳-۴-۶- بالا بودن هزینه مشاوره

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که دولت باید هزینه‌های مشاوره را تقبل نماید تا دغدغه و نگرانی خاصی در این زمینه وجود نداشته باشد. به‌ویژه زنانی که خانه‌دار بودند و منبع درآمدی نداشتند برای پرداخت این هزینه با مشکلات جدی روبرو بودند.

م.ش ۳ می‌گوید: «هزینه‌های مشاوره برای من خیلی سخت بود به نظرم اگر دولت افرادی مثل من را تحت حمایت قرار بدهند خیلی خوب می‌شد».

این مسئله، زمانی که مشاور دادگاه مراجعان را به مشاوران بیرون از قبیل روان‌شناسان ارجاع می‌داد وخیم‌تر می‌شد.

۴-۶-۴- جنسیت مشاور

یکی از اصلاحات موردنظر پاسخگویان انتخاب مشاوره هم‌جنس با خودشان بود.

۴-۶-۵- تأثیر مثبت مشاور خانم بر زوجه

بسیاری از مشاوران خانم به علت درک شرایط بانوان متقاضی طلاق، مشاوره‌های باحوصله و تأمل‌برانگیزی ارائه می‌دهند از همین روی یکی از اصلاحات در این حوزه از منظر مصاحبه‌شوندگان تأثیر مثبت مشاور خانم بر زوجه بود که اغلب بانوان نیز از این وضعیت راضی بودند.

م.ش ۷ می‌گوید: «به نظرم وقتی یک خانم باشد و یک هم‌جنس باشد آدم می‌تواند به سؤالات خوب جواب دهد».

۴-۶-۶- اهمیت داشتن جنسیت مشاور در پیش بردن کارها

از منظر پاسخگویان برخی از بانوان در مقابل مشاور با گریه احساس مظلوم‌نمائی می‌کنند تا طرف آن‌ها را بگیرد.

م.ش ۴ می‌گوید: «مشاور آقا بیشتر تحت تأثیر مظلوم‌نمایی خانم‌ها قرار می‌گیرد».

البته برای برخی از زوجین مسئله اصلی مشکل آن‌هاست و نه جنسیت مشاور؛ آن‌ها با هر مشاور می‌توانند مسائل و مشکلات خودشان را بیان کنند.

۷-۴-۶- لزوم همراهی تخصص و تجربه

مصاحبه‌شوندگان تخصص همراه با تجربه در مشاوره خانوادگی را برای مشاوران ضروری می‌بینند.

م.ش ۴ می‌گوید: «به نظر من افرادی که در این مرکز هستند علاوه بر این‌که تخصص دارند باید دارای تجربه بالایی هم باشند ... هم افرادی با سن و تجربه بالا باشند زیرا آدم بهتر می‌تواند حرف این‌ها را بپذیرد».

۵- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با راهبرد کلی پدیدارشناختی و با روش تحلیل مضمون، به مطالعه تجربه افراد متأهل از فرایند مشاوره اجباری پیش از طلاق و نگرش آنان به کارآمدی این نهاد قانونی پرداخت و با شیوه «قالب مضامین»، به پنج مضمون اصلی زیر دست یافت که مضامین فرعی و کدهای اولیه هرکدام در بخش یافته‌ها ارائه شد: ارائه راهکارهای موردنیاز از سوی مشاور؛ ایجاد سازش و تداوم

زندگی؛ گرفتن راهنمایی حقوقی و اجتماعی از مشاور؛ تأثیرگذار بودن مشاوره به‌هنگام؛ مؤثر نبودن جلسات مشاوره در ایجاد سازش؛ معایب روند فعلی مشاوره پیش از طلاق.

مصاحبه‌شوندگان در توقع از نهاد مشاوره در فرایند طلاق دارند، تقریباً اجماع دارند که مشاور می‌تواند و باید میان زوجین سازش ایجاد نماید، بی‌طرفی جنسیتی را رعایت نموده و با ارائه راهکارهای حقوقی و اجتماعی و نیز راهنمایی‌های اخلاقی و روان‌شناختی، زوجین را از طلاق‌های غیرضروری باز دارد و در صورت میسر نبودن این مهم، زمینه بهتر زیستن برای مرد، زن و فرزندان در جامعه در روزگار پس از طلاق را مهیا سازد. این اجماع، البته مربوط به نگرش آن‌ها به وضعیت مطلوب مشاوره پیش از طلاق است و گرچه برخی از این افراد به سودمندی‌هایی که مشاوره در واقعیت برایشان داشته و راهکارهایی عملی را که در زمینه‌های عاطفی، اخلاقی، حقوقی و اجتماعی از مشاور بهره برده‌اند، اشاره می‌کنند ولی نگرش اغلب آن‌ها به کارآمدی مشاوره‌های فعلی، چندان حاکی از رضایت نیست. این عدم رضایت ابعاد مختلفی دارد از جمله: هزینه‌های بالای مشاوره و عدم پوشش دولتی برای این هزینه‌ها، زمان‌بندی نامناسب مشاوره و واقع‌شدن آن در دورانی که طرفین عزم خود را برای طلاق جزم کرده‌اند و روابطشان به وخامت کشیده است، اهمیت ندادن مشاوران به تحکیم بنیان خانواده و سبک انگاشتن تحکیم خانواده و ترمیم رابطه زوجین، عدم برخورداری مشاوران از تخصص کافی همراه با تجربه و سوگیری‌های جنسیتی برخی از مشاوران. یکی دیگر از وجوه این عدم رضایت، نگرش راهنمایی‌های لازم در زمینه‌هایی مانند نفقه، حضانت و دیگر مسائل مبتلابه زوجین است.

البته اثربخشی جلسات مشاوره را از یک‌سو باید در تخصص و تجربه مشاور و شناخت بهتر مسئله و مشکل زوجین دانست و از سوی دیگر به خود زوجین نسبت داد؛ افرادی که نتوانند وضعیت خود را تشریح نمایند یا مدام همدیگر را مقصر پندارند و خواهان حل مسائل خود نبوده و فقط به دنبال پایان جلسات مشاوره و گرفتن نامه عدم سازش باشند، نمی‌توانند از مشاوره انتظار اثربخشی داشته باشند. مجموعاً باید گفت اغلب مصاحبه‌شوندگان تصمیم برای طلاق را گرفته بودند و تا حدودی یا تصور روشنی از نقش مشاور نداشتند و بسیاری از مصاحبه‌شوندگان مشاوره را چندان اثربخش ارزیابی نمی‌کردند. ولی راهکار محققین برای کاستن از این جنبه از ناکارآمدی یا کم‌کارآمدی نهاد مشاوره، استفاده از مشاوره‌های چند تخصصی برای حل مشکلات زوجین متقاضی طلاق است.

از منظر برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان رفتار مشاور نامناسب بوده و یا راهکاری را برای آنان تجویز کرده که با عرف و فرهنگ آنان مطابقت نداشته و این موضوع سبب می‌شد تا مشاوره‌ها اثربخشی خود را از دست بدهند. همان‌طور که ذکر شد باید مشاور بتواند با صبر و حوصله و همراهی با وضعیت زوجین وارد مسئله شود و بعد از شناخت آن با همکاری زوجین راهکارهای لازم را ارائه دهد. داشتن رفتار و اخلاق خوب مشاور و آگاهی او با فرهنگ بومی زوج‌ها می‌تواند اعتمادساز بوده و در بستر این اعتماد، به حل مسائل زوجین یاری رساند. چنانچه مشاور با داشتن تخصص و تجربه از جمله افرادی باشد که خود قربانی زندگی مشترک هستند و یا دیدگاه‌های فمینیستی افراطی نسبت به زوج داشته باشد و به‌طور کلی از سلامت کافی روحی و اخلاقی برخوردار نباشد و حتی می‌توان گفت اعتقادات و باورهای درست مذهبی نداشته باشد، بعید است، مشاوره‌های وی مشکلات خانواده‌های در معرض طلاق را رفع و گره‌های آنان را بگشاید. بلکه در عمل دیده شده چنین اشخاصی به زوجین برای عقده‌گشایی بیشتر و ابراز ما فی-الضمیر خود راهنمایی نامناسب‌تری معرفی می‌کنند. به‌رحال، نهاد مشاوره پیش از طلاق، نسبتاً نوپا و نیازمند اصلاحات اساسی است.

چون فرایند طلاق زمان‌بر است بنابراین زمان‌های مشاوره باید به‌درستی تنظیم شود؛ اگر زمان جلسات مشاوره با فاصله کمی باشد تأثیرگذاری آن نیز بیشتر است. فاصله کم جلسات مشاوره نوعی فشار به زوجین برای حرکت به سمت حل مسائلشان است و

زمان بر شدن فرایند مشاوره، ممکن است قصد زوجین برای طلاق را تقویت نماید. به نظر می‌رسد در ارتباط با زمان‌بندی مشاوره به‌طور کلی بهتر است حسب زمان بروز و ظهور اختلافات، امکان بهره‌مندی از مشاوره‌های خاص را حتی از ابتدای شروع اختلافات قرار داد و زمان آن به مرحله پیش از طلاق موکول نشود.

از دیگر معایب این حوزه هزینه‌های مشاوره است این مقوله نیز مورد توافق زوجین بود که دولت باید هزینه‌های مشاوره را به‌ویژه برای زنان خانه‌دار پرداخت نماید برخی از مواقع مشاور زوجین را به سمت یک دکتر روان‌شناس هدایت می‌کند که این جلسات روان‌شناسی برای زوجین هزینه‌زاست بنابراین بهترین کار این است که دادگاه بتواند از مشاورین چند تخصصی یا چند مشاوره تخصصی متفاوت موازی استفاده نماید. هم‌زمان زوجین به مشاوره حقوقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناسی بروند تا ابعاد مسائلشان بهتر برایشان روشن شود.

به نظر می‌رسد دو مشاور حقوقدان-روان‌شناس و حقوقدان-جامعه‌شناس با ترکیب جنسیتی آقا-خانم برای زوجین می‌تواند گزینه مناسبی باشد تا هم هر کدام از مشاوران خلأ دانشی خود را توسط مشاور دیگر جبران کند هم این‌که زوجین به‌نوعی جدی‌بودن مسئله و اهمیت موضوع از منظر قوه قضائیه را مشاهده نمایند و مشاوره موازنه جنسیتی لازم را داشته باشد. باید دقت کرد که داشتن تجربه و تخصص در مشاوره از منظر پاسخگویان دارای اهمیت بسیاری است زیرا مشاورینی که تجربه کافی را ندارند به شناخت کافی از وضعیت و مسائل و مشکلات زوجین نمی‌رسند همچنین زمانی که مشاور کم‌تجربه به نظر می‌آید افراد کم‌تر میل به همکاری و اجرای راهکار مشاور دارند.

فصل دوم قانون حمایت خانواده به حق یکی از کاربردی‌ترین فصول این قانون است زیرا که قانون‌گذار نیاز روز را بسیار خوب درک نموده ولی با توجه به یافته‌های این پژوهش، لازم است این فصل برای تحقق مقاصد قانون‌گذار از الزامی کردن مشاوره پیش از طلاق، بازنگری شود. اگر نهاد مشاوره که در این قانون برای تحکیم نهاد خانواده تعبیه شده است، منحصرراً زیرمجموعه قوه قضائیه نبوده و به‌عنوان یک نهاد اجتماعی مستقل و دارای بودجه و اعتبارات کافی و تشکیلات حرفه‌ای تخصصی و کارآمد باشد و بتواند در مراحل مختلف زندگی زناشویی خدمات مشاوره‌ای مورد نیاز زوجین را با هزینه‌ای قابل تحمل و یا رایگان در اختیار آنان قرار دهد و تنها محدود به فرایند جدایی حقوقی یعنی طلاق نباشد، قطعاً اشکالات روند فعلی این نهاد حل شده و کارآمدی مقبولی خواهد داشت. به نظر می‌رسد لازم است مشاورین، قبل از استخدام رسمی در دفاتر مشاوره دادگستری در کنار مشاورین باتجربه دوره عملیاتی مشاوره را بگذرانند و صرفاً استخدام مشاور بر اساس مدرک تحصیلی ملاک عمل قرار نگیرد بلکه سلامت فکری و اخلاقی و استلزامات شخصیتی این افراد در یک فرایند علمی و حرفه‌ای بومی، احراز شود.

۶- منابع

- ۱- اکبری، زهرا؛ و شریعتمدار، آسیه؛ فرح‌بخش، کیومرث، و نظری، علی محمد (۱۴۰۱). طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق مراکز مداخله در بحران. فرهنگ مشاوران و روان‌درمانی، ۱۳(۴۹)، ۳۱-۷۶.
doi:10.22054/qccpc.2021.62949.2770
- ۲- بیگدلی، الیاس؛ فرح‌بخش، کیومرث؛ سلیمی بجستانی، حسین؛ معتمدی شلمزاری، عبدالله؛ و الهی، طاهره (۱۳۹۹). فراهم آوری و ارزیابی اثربخشی دستنامه توانگر سازی مشاورین طلاق بر پایه آسیب‌شناسی مشاوره‌های طلاق در سازش درخواست‌کنندگان طلاق. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۰(۱)، ۲۳۷-۲۷۰.
doi10.22034/FCP.2020.61747

- ۳- کرسول، جان (۱۳۹۸). کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی) (ویرایش دوم). ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۴). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۵- حاجی‌محمدی یزدی، حجت؛ و افراسیابی، حامد (۱۴۰۱). بررسی شیوه‌های نوین صلح و سازش در بین زوجین در مراکز مشاوره خانواده. اولین همایش ملی تحولات قانون‌گذاری در زمینه استحکام خانواده و مدیریت اختلافات، دامغان.
- ۶- حیاتی، مژگان (۱۳۹۹). مشاوره طلاق. تهران: نشر دانژه.
- ۷- خاکی، احمد (۱۳۹۶). تدوین مدل آموزش زوج‌درمانی بوم‌شناختی به مشاوران و تعیین اثربخشی آن بر کاهش میل به طلاق زوج‌های ارجاعی به دادگستری در استان مرکزی. رساله دکترا دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۸- دادفر، محبوبه (۱۳۹۷). روانشناسی قانونی: ضرورتی در نظام عدالت کیفری ایران. پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۳(۲۶)، ۸۲-۴۲.
- ۹- زهراکار، کیانوش (۱۳۹۷). مشاوره خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرآیند و نظریه‌ها). تهران: ارسباران.
- ۱۰- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۳). روش‌ها و فنون مشاوره (مصاحبه بالینی). تهران: کتاب فکر نو.
- ۱۱- شفیع‌آبادی، عبدالله؛ و ناصری، غلامرضا (۱۳۷۱). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲- جی ترال، تیموتی؛ و پرینستین، میچل جی (۱۳۹۰). روانشناسی بالینی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: انتشارات رشد.
- ۱۳- قورچی‌بیگی، مجید؛ و اقبالی، ابوالفضل (۱۳۹۹). ساخت اجتماعی طلاق توافقی در ایران. خانواده پژوهی، ۱۶(۶۱)، ۹۷-۱۱۴.
- ۱۴- کیوی، ریموند؛ و کامپنهود، لوک‌وان (۱۳۹۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- ۱۵- گوانبرگ، هربرت؛ و گولدنبرگ، آیرین (۱۳۹۷). خانواده‌درمانی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۶- محمدتقی‌زاده، مهدیه (۱۳۹۸). تجربه مشاوره اجباری بین متقاضیان طلاق توافقی در شهر تهران. پژوهش‌نامه زنان، ۱۱(۳۱)، ۸۳-۸۳.

doi:10.30465/WS.2020.5103 .۱۱۲

- ۱۷- وطن‌دوست، علی؛ و حسین‌زاده، محمد (۱۳۹۸). اثربخشی مشاوره در سازش یا عدم سازش زوجین مراجعه‌کننده به مراکز طلاق در استان مازندران ۱۳۹۷. پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی.

18- Eurofound. (2012). *The European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions. EurLife, Population and society: Divorce rate.* Retrieved from <http://www.eurofound.europa.eu/areas/qualityoflife/eurlife/>

19- Eurostat. (2012). *European statistics for the European Commission, Population and social conditions: Divorces.* Retrieved from <http://epp.eurostat.ec.europa.eu>

20- Kin, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in qualitative research.* Sage, London.

21- King, N. (2004) *Using Templates in Thematic Analysis of Text.* In: *Essential Guide to Qualitative Methods in Organizational Research,* Sage Publications, London.

Qualitative Assessment of the Efficiency of Pre-Divorce counseling: A Study on the Second Chapter of the Family Support Law Based on the clients' Perspectives on Counseling Centers in Alborz province.

Mehri Allahverdi¹, Mohsen Badreh^{2*}, Fatemeh Pour-Masjedian³

- 1- Master's graduate in Women's Studies from Al-Zahra University.
Mehriallahverdi54@gmail.com
- 2- Assistant professor and faculty member of the Department of Family and Women's Studies, Al-Zahra University. (Corresponding Author)
m.badreh@alzahra.ac.ir
- 3- Assistant professor and faculty member of the Law Department, Faculty of Social Sciences and Economics, Al-Zahra University.
fmasjedian@alzahra.ac.ir

Abstract

The legislator, by instituting pre-divorce counseling, aimed to address unnecessary divorces under the second chapter of the Family Support Law in 2013. This paper presents a qualitative assessment of the effectiveness of this counseling based on the perspectives of couples who have undergone all stages of pre-divorce counseling. The research methodology employed phenomenology, with thematic analysis is used to analyze the interviews. The fifteen interviewees were residents of Alborz province, selected through purposive sampling. Six main themes emerged from the interview analysis: the provision of necessary solutions by the counselor, fostering compromise and continuity in marital life, seeking legal and social guidance from counselors, the impactful nature of timely counseling, the lack of effectiveness of counseling sessions in fostering compromise, and the drawbacks of the current pre-divorce counseling process. The interviewees generally unanimous in their expectation from the counseling that the counselor can create a compromise between couples, however, their attitudes toward the effectiveness of current counseling indicate dissatisfaction. This lack of satisfaction encompasses different dimensions, including the heavy costs of consultation fees and the lack of government coverage, the inappropriate timing of counseling sessions, some counselors underestimating the importance of family consolidation, and insufficient efforts to mend couples' relationships. Additionally, interviewees noted a lack of adequate expertise and experience among counselors, along with gender biases exhibited by some counselors. This research suggests a revision of the second chapter of the Family Support Law to align with the legislator's goal and eliminate the disadvantages of the current shortcomings, ultimately enhancing the efficacy of mandatory pre-divorce counseling for couples.

Keywords: Family, Divorce, Pre-divorce counseling, Family counseling.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)